



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور
تصویب بنیاد وزارت

شماره ت ۱۸۰۷۰ / ی
۶۸۸۵۹
تاریخ ۱۳۷۶ / ۸ / ۲۸

بسمه تعالی

وزارت امور اقتصادی و دارایی

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۸/۲۵ بنا به پیشنهاد شماره ۷۰/۳۶۶۷-۵۲۶ مورخ ۱۳۷۶/۲/۱۴ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۲) آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات بین المللی - مصوب ۱۳۷۱ - تصویب نمود:

وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز است نسبت به امضای مقدماتی " موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت "، بر اساس متن پیوست اقدام کند و مراحل قانونی را تا تصویب نهایی پیگیری نماید.

حسن حبیبی
معاون اول رئیس جمهور
۱۳۷۶ / ۸ / ۲۷

رونوشت به دفتر مقام معظم رهبری، دفتر رئیس جمهور، دفتر معاون اول رئیس جمهور، دفتر ریاست قوه قضاییه، دفتر معاون حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور، دفتر معاون اجرایی رئیس جمهور، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، دیوان محاسبات کشور، اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، اداره کل حقوقی، اداره کل قوانین و مقررات کشور، وزارت دادگستری، سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات و دفتر هیات دولت ابلاغ می شود.

۶- هزینه‌های مالی زمانی حاصل در دولت متعاهد تلقی خواهد شد که پرداخت‌کننده خود آن دولت، یک مقام محلی، یا یک مقیم آن دولت باشد. مع‌ذالک در صورتیکه، شخص پرداخت‌کننده هزینه‌های مالی، خواه یک مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت هزینه‌های مالی مذکور حاصل در دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که این مقر دایم یا پایگاه ثابت در آن واقع است.

۷- در صورتیکه به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص ثالث دیگر، مبلغ هزینه‌های مالی ای که در ارتباط با این مطالبات دیون پرداخت می‌شود بیش از مبلغی باشد که در صورت عدم وجود چنین روابطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد، مقررات این ماده فقط به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲

حق‌الامتياز

۱- حق‌الامتياز خاص در یک دولت متعاهد و پرداختی به مقیم دولت متعاهد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- مع‌ذالک، این حق‌الامتيازها می‌تواند در دولت متعاهدی که حاصل می‌شود و مطابق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لکن چنانچه دریافت‌کننده، مالک منافع حق‌الامتياز باشد، مالیات متعلقه بیشتر از درصد مبلغ ناخالص حق‌الامتياز نخواهد بود.

۳- اصطلاح "حق‌الامتياز" به نحویکه در این ماده بکار می‌رود اطلاق می‌شود به هر نوع وجوه دریافت شده به عنوان مابه‌ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی منجمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی.

۴- هرگاه مالک منافع حق‌الامتيازها، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگری که حق‌الامتياز حاصل می‌شود از طریق یک مقر دایم واقع در آن، فعالیت شغلی داشته باشد، یا در دولت متعاهد دیگر از طریق یک پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق‌الامتياز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به طور مؤثری با این مقر دایم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد جاری خواهد بود.

۵- حق‌الامتياز زمانی حاصل در یک دولت متعاهد تلقی خواهد شد، که پرداخت‌کننده خود آن دولت، یک مقام محلی یا یک مقیم آن دولت باشد. مع‌ذالک در صورتیکه، شخص پرداخت‌کننده حق‌الامتياز، (خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد) در دولت متعاهد دارای مقر دایم یا پایگاه

۶- هزینه‌های مالی زمانی حاصل در دولت متعاهد تلقی خواهد شد که پرداخت‌کننده خود آن دولت، یک مقام محلی، یا یک مقیم آن دولت باشد. مع‌ذالک در صورتیکه، شخص پرداخت‌کننده هزینه‌های مالی، خواه یک مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت هزینه‌های مالی مذکور حاصل در دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که این مقر دایم یا پایگاه ثابت در آن واقع است.

۷- در صورتیکه به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص ثالث دیگر، مبلغ هزینه‌های مالی ای که در ارتباط با این مطالبات دیون پرداخت می‌شود بیش از مبلغی باشد که در صورت عدم وجود چنین روابطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد، مقررات این ماده فقط به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲

حق‌الامتياز

۱- حق‌الامتياز خاص در یک دولت متعاهد و پرداختی به مقیم دولت متعاهد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- مع‌ذالک، این حق‌الامتيازها می‌تواند در دولت متعاهدی که حاصل می‌شود و مطابق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لکن چنانچه دریافت‌کننده، مالک منافع حق‌الامتياز باشد، مالیات متعلقه بیشتر از درصد مبلغ ناخالص حق‌الامتياز نخواهد بود.

۳- اصطلاح "حق‌الامتياز" به نحویکه در این ماده بکار می‌رود اطلاق می‌شود به هر نوع وجوه دریافت شده به عنوان مابه‌ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی منجمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی.

۴- هرگاه مالک منافع حق‌الامتيازها، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگری که حق‌الامتياز حاصل می‌شود از طریق یک مقر دایم واقع در آن، فعالیت شغلی داشته باشد، یا در دولت متعاهد دیگر از طریق یک پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق‌الامتياز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به طور مؤثری با این مقر دایم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد جاری خواهد بود.

۵- حق‌الامتياز زمانی حاصل در یک دولت متعاهد تلقی خواهد شد، که پرداخت‌کننده خود آن دولت، یک مقام محلی یا یک مقیم آن دولت باشد. مع‌ذالک در صورتیکه، شخص پرداخت‌کننده حق‌الامتياز، (خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد) در دولت متعاهد دارای مقر دایم یا پایگاه

ثابتی باشد که حق یا اموال موجد حق الامتیاز به طور مؤثری مرتبط به آن است و این حق الامتیازها بر عهده این مقرر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این مورد این حق الامتیازها حاصل در دولت متعاقد تلقی خواهند شد که این مقرر دایم یا پایگاه ثابت در آن واقع می باشد.

۶- در صورتی که، به سبب یک رابطه خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا مابین هر دوی آنها یا یک شخص ثالث، مبلغ حق الامتیازی که، بابت استفاده، حق یا اطلاعات پرداخت شده، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی توسط پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط راجع به مبلغ اخیرالذکر جاری خواهد بود در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی ها بر طبق قوانین هر دولت متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳

عواید سرمایه ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) و واقع در دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که قسمتی از اموال شغلی مقردایمی را که موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، تشکیل دهد یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر در اختیار دارد، منجمله عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دایم (به تنهایی یا همراه با کل موسسه) پایگاه ثابت مزبور می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۳- عواید حاصل توسط یک موسسه تجاری یک دولت متعاقد از نقل و انتقال کشتیها، قایقها، هواپیما، یا وسایط نقلیه جاده ای یا راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای و راه آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهند بود که دفتر ثبت شده آن موسسه در آن واقع است.

۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت که دارایی آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم قسمت عمده ای از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر را تشکیل می دهد می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴

خدمات شخصی مستقل

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب خدمات حرفه ای یا سایر فعالیت های مستقل، فقط در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه این شخص به منظور ارایه

فعالیت‌های خود اغلب پایگاه ثابتی در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد. چنانچه چنین محل ثابتی در اختیار داشته باشد، این درآمد می‌تواند مشمول مالیات دولت دیگر شود ولی فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت می‌باشد.

۲- اصطلاح "خدمات حرفه‌ای" به‌خصوص شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، آموزشی یا پرورشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، دندانپزشکان، معماران و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۵

خدمات شخصی غیر مستقل

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه که مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاهد دیگر انجام شود. چنانچه استخدام بدین ترتیب انجام شود، حق‌الزحمه حاصل از آن می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

۲- علیرغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدامی که در دولت متعاهد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت مقدم‌الذکر خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف: جمع مدتی که دریافت‌کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر به سر برده است از ۱۸۳ روز، در هر مدت دوازده ماهه که در سال مالی مربوطه شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند و

ب: حق‌الزحمه توسط، یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاهد دیگر نیست پرداخت شود و

ج: حق‌الزحمه برعهده مقرر دایم یا پایگاه ثابتی که کارفرما در دولت متعاهد دیگر دارد، نباشد.

۳- علیرغم مقررات قبلی این ماده، حق‌الزحمه حاصل مرتبط با استخدام در یک کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی باشد که "دفتر ثبت شده" آن مؤسسه تجاری در آن واقع است.

ماده ۱۶

حق‌الزحمه مدیران

حق‌الزحمه مدیران و سایر پرداخت‌های مشابه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد در سمت خود به‌عنوان عضو هیات‌مدیره شرکتی که مقیم دولت متعاهد دیگر می‌باشد، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

ماده ۱۷

هنرمندان و ورزشکاران

۱ - علیرغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵)، درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقیدان، یا به عنوان یک ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی انجام شده خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می نماید می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود عاید شخص دیگری غیر از خود آن هنرمند یا ورزشکار شود، علیرغم مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵) آن درآمد می تواند مشمول مالیات دولت متعاقدی که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می گیرد، شود.

۳ - علیرغم مقررات بندهای (۱) و (۲)، درآمد حاصل توسط یک هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای ارایه شده در دولت متعاقد دیگر، در حدود موافقتنامه فرهنگی منعقد شده بین دو دولت متعاقد، از مالیات آن دولت متعاقد دیگر معاف خواهد بود.

ماده ۱۸

حقوق بازنشستگی

۱ - حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته، فقط مشمول مالیات آن دولت می باشد. این مقررات برای مستمریهای سالانه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به کار می رود.

۲ - علیرغم مقررات بند (۱)، مقرریهای بازنشستگی و سایر پرداختهای به موجب قانون تأمین اجتماعی یا قانون استخدام کشوری یک دولت متعاقد فقط می تواند مشمول مالیات آن دولت باشد.

ماده ۱۹

خدمات دولتی

۱ - حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه های مشابه (به غیر از حقوق بازنشستگی) پرداختی توسط یا از محل صندوق ایجاد شده توسط یک دولت متعاقد یا مقام محلی آن به یک شخص حقیقی بابت خدمت انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود. مع ذلک، این حق الزحمه ها در صورتی فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود که این خدمات در آن دولت انجام شود و آن شخص حقیقی مقیم آن دولت باشد که:

- تابعیت آن دولتی را داشته باشد، یا

- صرفاً به منظور انجام آن خدمات مقیم آن دولت نشده باشد.

۲ - مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) در مورد حقوق و مقرریهای بازنشستگی مربوط به خدمات انجام شده بابت فعالیتهای شغلی انجام شده توسط یک دولت متعاقد یا یک مقام محلی آن

ماده ۲۰

مدرسين و محصلين

۱- وجوهی که یک محصل یا کارآموز شغلی که تبعه یک دولت متعاقد می‌باشد و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود. مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

۲- همچنین، حق الزحمه‌ای که یک مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد می‌باشد و در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد و منظور اولیه، تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دو سال تجاوز نکند، باشد، از مالیات آن دولت دیگر بر حق الزحمه، بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق معاف خواهد بود.

مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

این بند در مورد درآمد حاصل از تحقیقاتی که اساساً برای منافع خصوصی شخص یا اشخاص بخصوصی انجام می‌شود جاری نخواهد بود.

ماده ۲۱

سایر درآمدها

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که صریحاً در مواد قبلی این موافقتنامه ذکر نشده است فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود مگر آنکه اینگونه اقلام درآمد از منابع دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند چنانچه این اقلام درآمد از منابع دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند، در این صورت می‌توانند مشمول مالیات آن دولت دیگر هم بشوند.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت‌کننده درآمد، که مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی نماید یا در آن دولت دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در رابطه با آن حاصل شده است به طور موثری با این مقر دایم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد مقررات بند (۱) جاری نخواهد بود. در این مورد این اقلام درآمد در آن دولت متعاقد دیگر و بر طبق قوانین خود آن دولت مشمول مالیات می‌باشند.

ماده ۲۲

سرمایه

۱- سرمایه متشکل از اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر واقع شده می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- سرمایه‌ای که متشکل از اموال منقولی که جزیی از اموال شغلی مقرر دایمی که موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد می‌باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که مقیم یک دولت متعاقد به منظور مبادرت به خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر در اختیار دارد، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

۳- سرمایه متشکل از کشتیها، قایقها، هواپیما، وسایط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعهده‌ی خواهد بود که "دقتر ثبت شده" مؤسسه در آن واقع است.

۴- سرمایه متشکل از سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که داراییهای آن عمدتاً از اموال غیرمنقول واقع در یک دولت متعاقد تشکیل شده است، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد شود.

۵- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳

روش حذف مالیات مضاعف

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل می‌کند یا سرمایه‌ای دارد که، طبق مقررات این موافقتنامه، می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت مقدم‌الذکر اجازه خواهد داد:

الف: مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بردرآمد آن مقیم کسر شود.

ب: مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

مع ذلک در هر یک از دو مورد اینگونه تخفیفات، از آن قسمت از مالیات بردرآمد، یا مالیات بر سرمایه مورد محاسبه قبل از دادن تخفیف، که حسب مورد مربوط به درآمد یا سرمایه‌ای باشد که می‌تواند در آن دولت دیگر، مشمول مالیات شود، بیشتر نخواهد بود.

۲- در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، معهدا این دولت می‌تواند در محاسبه مبلغ مالیات بر باقیمانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۴

عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگینتر از مالیات و الزامات مربوطه‌ای که اتباع دولت دیگر تحت همان شرایط مشمول

۲- سرمایه‌ای که متشکل از اموال منقولی که جزیی از اموال شغلی مقرر دایمی که موسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد می‌باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که مقیم یک دولت متعاهد به منظور مبادرت به خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر در اختیار دارد، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

۳- سرمایه متشکل از کشتیها، قایقها، هواپیما، وسایط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که "دفتر ثبت شده" مؤسسه در آن واقع است.

۴- سرمایه متشکل از سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که داراییهای آن عمدتاً از اموال غیرمنقول واقع در یک دولت متعاهد تشکیل شده است، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد شود.

۵- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳

روش حذف مالیات مضاعف

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد درآمدی حاصل می‌کند یا سرمایه‌ای دارد که، طبق مقررات این موافقتنامه، می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر شود، دولت مقدم‌الذکر اجازه خواهد داد:

الف: مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بردرآمد آن مقیم کسر شود.

ب: مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

مع ذلک در هر یک از دو مورد اینگونه تخفیفات، از آن قسمت از مالیات بردرآمد، یا مالیات بر سرمایه مورد محاسبه قبل از دادن تخفیف، که حسب مورد مربوط به درآمد یا سرمایه‌ای باشد که می‌تواند در آن دولت دیگر، مشمول مالیات شود، بیشتر نخواهد بود.

۲- در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعاهد از مالیات آن دولت معاف باشد، معهدا این دولت می‌تواند در محاسبه مبلغ مالیات بر باقیمانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۴

عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگینتر از مالیات و الزامات مربوطه‌ای که اتباع دولت دیگر تحت همان شرایط مشمول

۲- سرمایه‌ای که متشکل از اموال منقولی که جزیی از اموال شغلی مقرر دایمی که موسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد می‌باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که مقیم یک دولت متعاهد به منظور مبادرت به خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر در اختیار دارد، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

۳- سرمایه متشکل از کشتیها، قایقها، هواپیما، وسایط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که "دفتر ثبت شده" مؤسسه در آن واقع است.

۴- سرمایه متشکل از سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که داراییهای آن عمدتاً از اموال غیرمنقول واقع در یک دولت متعاهد تشکیل شده است، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد شود.

۵- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳

روش حذف مالیات مضاعف

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد درآمدی حاصل می‌کند یا سرمایه‌ای دارد که، طبق مقررات این موافقتنامه، می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر شود، دولت مقدم‌الذکر اجازه خواهد داد:

الف: مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بردرآمد آن مقیم کسر شود.

ب: مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

مع ذلک در هریک از دو مورد اینگونه تخفیفات، از آن قسمت از مالیات بردرآمد، یا مالیات بر سرمایه مورد محاسبه قبل از دادن تخفیف، که حسب مورد مربوط به درآمد یا سرمایه‌ای باشد که می‌تواند در آن دولت دیگر، مشمول مالیات شود، بیشتر نخواهد بود.

۲- در صورتی که طبق هریک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعاهد از مالیات آن دولت معاف باشد، معهدا این دولت می‌تواند در محاسبه مبلغ مالیات بر باقیمانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور نکند.

ماده ۲۴

عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگینتر از مالیات و الزامات مربوطه‌ای که اتباع دولت دیگر تحت همان شرایط مشمول

آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علیرغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیات مقرر دایمی که یک موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، در آن دولت دیگر با مطلوبیت کمتری از مالیات موسسات تجاری آن دولت متعاقد دیگری که همان فعالیتها را انجام می دهند، وصول نخواهد شد.

۳- موسسات تجاری یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً، به طور مستقیم یا غیرمستقیم متعلق یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می باشد، در دولت مقدم الذکر، مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سوای یا سنگینتر از مالیات و الزامات مربوط به آن که سایر موسسات مشابه تجاری در دولت مقدم الذکر مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- این مقررات به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع تخفیفات شخصی، معافیتها و بخشودگی مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسوولیتهای خانوادگی به مقیمین خود اعطا می نماید به مقیمین دولت متعاقد دیگر نیز اعطا کند.

ماده ۲۵

آیین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد ملاحظه کند که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی باشد، صرفنظر از تدابیر پیش بینی شده در قوانین ملی آن دولتها، می تواند مورد خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مطابق بند (۱) ماده (۲۴) باشد، به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است تسلیم نماید. این مورد می بایست ظرف دو سال از اولین اخطار اقدامی که منتج به اعمال مالیاتی شده که منطبق با مقررات این موافقتنامه نیست، تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی نتواند شخصاً به راه حل مناسبی برسد، خواهد کوشید که از طریق توافق دوجانبه با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر، به منظور اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی باشد، مورد را فیصله دهد.

۳- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد برای حل هر گونه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، به طریق توافق دوجانبه کوشش خواهند کرد و نیز می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردیکه در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد می توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین با یکدیگر ارتباط مستقیم برقرار کنند. مقامات صلاحیتدار، به طریق مشاوره، از آیینها، شرایط، روشها و فنون دوجانبه مقتضی برای اجرای آیین توافق دوجانبه پیش بینی شده در این ماده استفاده خواهند نمود.

بسمه تعالی

موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت

با تمایل به انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه، به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱

اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم قلمرو یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲

مالیاتهای موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه شامل مالیات بردرآمد و مالیات بر سرمایه است که صرفنظر از نحوه وضع آنها، از سوی هر دولت متعاقد یا مقامات محلی آنها وضع می‌گردد.

۲- مالیات بردرآمد و بر سرمایه عبارتند از کلیه مالیاتهای متعلقه به کل درآمد، کل سرمایه، یا اجزای درآمد یا سرمایه منجمله مالیات عواید حاصله از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات برکل مبالغ پرداختی مؤسسات تجاری بابت دستمزد یا حقوق و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای فعلی مشمول این موافقتنامه به خصوص عبارتند از:

الف: در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد

- مالیات بر اموال

(که از این پس مالیات مستقیم جمهوری اسلامی ایران نامیده می‌شود)

ب: در مورد.....

-

-

-

-

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهایی یکسان یا اساساً مشابه طبقه‌بندی شده مطابق با تعریف

تبادل اطلاعات

۱ - مقامات صلاحیتدار در دولت متعاهد اطلاعاتی را که برای اجرای مقررات این موافقتنامه ضروری است یا قوانین داخلی دو دولت متعاهد را که به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه مربوط می باشد تا جایی که وضع مالیات به موجب آن مغایر با این موافقتنامه نباشد مبادله خواهند کرد. این تبادل اطلاعات به ماده (۱) محدود نمی شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می شود به همان شیوه ای که اطلاعات مکتسبه طبق قوانین آن دولت سری می باشد، سری خواهد بود و فقط برای اشخاص یا مقامات منجمله دادگاهها و تشکیلات اداری مرتبط با تشخیص یا وصول، اجرا یا پیگیری یا تصمیم گیری در مورد پژوهش خواهیهای مربوط به مالیاتهایی که مشمول این موافقتنامه می باشند، افشاء خواهد شد این اشخاص یا مقامات، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنها می توانند این اطلاعات را در جریان دادرسیهای دادگاههای عمومی یا تصمیمات قضایی فاش سازند.

۲ - مقررات بند (۱) در هیچ مورد چنین تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد:

الف: اقدامات اداری خلاف قوانین و عرف اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید.

ب: اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا رویه اداری متعارف خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست.

ج: اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرآیند تجاری شود یا اطلاعاتی افشای آن خلاف سیاست (نظم) عمومی باشد.

اعضای هیأت های نمایندگی سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیأت های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه های خاص از آن برخوردار می باشند، تاثیری نخواهد گذاشت.

لازم الاجرا شدن

۱ - این موافقتنامه در هر یک از دولتین متعاهد تصویب خواهد شد و اسناد تصویب آن در اسرع وقت مبادله خواهد شد.

۲ - این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب، لازم الاجرا و مقررات آن در موارد زیر نافذ خواهد شد:

الف - در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، حاصل می شود.

ب - در مورد سایر مالیاتهای بردرآمد و بر سرمایه، به آنگونه از مالیاتها متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، شروع می شود.

ماده ۲۹

فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاهد فسخ شود لازم الاجرا خواهد بود. هر یک از دولتین متعاهد می تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری دیپلماتیک، با ارایه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنجساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، فسخ نماید، در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر نافذ نخواهد بود:

الف - نسبت به مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، حاصل می شود.

ب - نسبت به سایر مالیاتها به آنگونه مالیاتهای متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، شروع می شود.

بنا به مراتب فوق، امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به نحو مقتضی مجاز می باشند این موافقتنامه را امضاء نمودند.

این موافقتنامه در تاریخ..... در سه نسخه به زبانهای فارسی، و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است، در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف
دولت کویت

از طرف
دولت جمهوری اسلامی ایران

مشخص شده در بند (۱) این ماده که علاوه بر مالیاتهای موجود یا به جای آنها، بعد از امضاء این موافقتنامه وضع شود نیز خواهد بود. مقامات ذیصلاح دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی، از هر تغییری که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، یکدیگر را مطلع خواهند نمود.

ماده ۳

تعاریف کلی

- ۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید:
 - الف: اصطلاح "یک دولت متعاقد" و "دولت متعاقد دیگر" بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا..... اطلاق می شود.
 - ب- اصطلاح "جمهوری اسلامی ایران" به قلمرو تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می شود.
 - ج- اصطلاح "....." اطلاق می شود.....
 - د: اصطلاح "مالیات" به کلیه مالیاتهای مشمول ماده (۲) این موافقتنامه، اطلاق می شود.
 - ه: اصطلاح "شخص" شامل شخص حقیقی، شرکت یا سایر انواع اشخاص می باشد.
 - و: اصطلاح "شرکت" اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر مؤسسه که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می گردد.
 - ز: اصطلاح "دفتر ثبت شده" به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوطه به هر دولت متعاقد می باشد.
 - ح: اصطلاحات "مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد" و "مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر" به ترتیب اطلاق می شود به مؤسسه تجاری ای که به وسیله شخص مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه تجاری ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می شود.
 - ط: اصطلاح "حمل و نقل بین المللی" اطلاق می شود به هرگونه حمل توسط یک کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای و راه آهن که توسط یک مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد انجام می شود. به استثنای مواردی که کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای و راه آهن صرفاً بین مکانهای واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده شود.
 - ی: اصطلاح "مقام صلاحیتدار" اطلاق می شود:
 - در مورد جمهوری اسلامی ایران، وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او.
 - در مورد.....
 - ک: اصطلاح "تبعه" اطلاق می شود:
 - هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعاقد باشد.
 - هر شخص حقوقی، که وضعیت قانونی خود را به موجب قوانین جاری در یک دولت متعاقد کسب نماید.
- ۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد.

به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد، آن معنایی را خواهد داشت که طبق قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه دارد.

ماده ۴

مقیم

۱- از نظر این موافقتنامه اصطلاح "مقیم یک دولت متعاقد" اطلاق می‌شود به هر شخصی که به موجب قوانین آن دولت از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت یا سایر معیارهای مشابه، مشمول مالیات آنجا باشد.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده یک شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف: او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن یک محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که با آن روابط شخصی و اقتصادی نزدیکتری دارد. (مرکز منافع حیاتی)

ب: هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا اگر در هیچ یک از دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می‌برد.

ج: هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاقد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می‌شود که تابعیت آنرا دارد.

د: هرگاه او تابعیت هیچ یک از دو دولت متعاقد را نداشته باشد. مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد موضوع را با توافق دوجانبه فیصله خواهند داد.

۳- در صورتی که، حسب مقررات بند (۱)، شخصی غیر از یک شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده‌اش در آن واقع است.

ماده ۵

مقر دایم

۱- از نظر این موافقتنامه اصطلاح "مقر دایم" اطلاق می‌شود به محل ثابت شغلی که از طریق آن، یک مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد کلاً یا جزئاً در دولت متعاقد دیگر فعالیت شغلی دارد.

۲- اصطلاح "مقر دایم" به خصوص شامل موارد زیر است:

الف: محل اداره

ب: شعبه

ج: دفتر

د: کارخانه

ه: کارگاه

و: معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره‌برداری، استخراج از منابع طبیعی.

۳- کارگاه ساختمانی، پروژه ساختمانی، نصب یا سوار نمودن یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن "مقر دایم" محسوب می‌شوند لکن فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتهایش بیش از ... استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، فعالیتهای مشروحه ذیل مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر به‌عنوان فعالیت از طریق یک "مقر دایم" تلقی نخواهند شد:

الف: استفاده از تأسیسات، صرفاً "به‌منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه تجاری.

ب: نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً "تجاری به‌منظور انبار کردن یا نمایش.

ج: نگهداری موجودی اجناس یا کالای متعلق به مؤسسه تجاری صرفاً "به‌منظور آماده‌سازی آنها توسط مؤسسه تجاری دیگر.

د: نگهداری یک محل ثابت شغلی صرفاً "به‌منظور خرید کالاها یا اجناس، یا جمع‌آوری اطلاعات برای آن مؤسسه تجاری.

هـ: نگهداری یک محل ثابت شغلی صرفاً "به‌منظور انجام تبلیغات، گردآوری اطلاعات، تحقیقات علمی، سایر فعالیتهایی که دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

و: نگهداری یک محل ثابت شغلی صرفاً "به‌منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در جزءهای الف تا هـ، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیبات، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی به‌غیر از نماینده دارای وضعیت مستقل، که مشمول بند (۶) می‌باشد. در دولت متعاقد از طرف یک مؤسسه تجاری فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به‌نام آن مؤسسه باشد و آنرا به‌طور معمول اعمال نماید، آن مؤسسه تجاری در مورد فعالیتهایی که آن شخص برایش انجام می‌دهد دارای مقر دایم در آن دولت تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیتهای شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که به‌موجب مقررات بند مذکور از طریق یک محل ثابت شغلی نیز انجام گیرند، این محل ثابت شغلی را به یک مقر دایم تبدیل نخواهد کرد.

۶- مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد صرفاً "به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق یک حق‌العمکار، دلال یا هر نماینده مستقل دیگر به‌انجام امور می‌پردازد، دارای مقر دایم در آن دولت متعاقد دیگر تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات این اشخاص در حدود معمول فعالیت خود آنها باشد.

مع‌ذالک، هرگاه فعالیتهای چنین نماینده‌ای به‌طور کامل یا تقریباً "کامل به آن مؤسسه تجاری تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات مابین این نماینده و آن مؤسسه تجاری در شرایط استقلال انجام

نگیرد، او به عنوان یک نماینده دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- این واقعیت که شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد است. شرکتی را که مقیم دولت متعاهد دیگر باشد یا در قلمرو آن فعالیت می کند، کنترل کند یا به وسیله آن کنترل شود (خواه از طریق یک مقر دایم و خواه دیگر) فی نفسه کافی نخواهد بود که یکی از آنها مقر دایم دیگری تلقی شود.

ماده ۶

درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر (منجمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری)، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

۲- اصطلاح "اموال غیر منقول" به موجب قوانین دولت متعاهدی که مال مورد بحث در آن قرار دارد، تعریف خواهد شد. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و وسایل مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات عمومی راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می گردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق کار، ذخایر معدنی، چاههای نفت یا گاز، معادن سنگ و سایر مکانهای استخراج منابع طبیعی منجمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه آهن به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، استیجاری یا هر شکل دیگر بهره برداری از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴- در صورتی که دارا بودن سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت، مالک این سهام یا حقوق شراکتی را محق به تمتع از اموال غیر منقول متعلق به آن شرکت نماید، درآمد ناشی از استفاده مستقیم، استیجاری، یا هر شکل دیگر این حق تمتع می تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی که اموال غیر منقول در آن واقع است، شود.

۵- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در درآمد ناشی از اموال غیر منقول مؤسسه تجاری و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای ارائه خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد بود.

ماده ۷

منافع تجاری

۱- منافع ناشی از فعالیتهای تجاری حاصله توسط یک مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه تجاری در دولت متعاهد دیگر از طریق مقر دایم واقع در آن امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه مؤسسه تجاری به طوری که در بالا ذکر شد فعالیت تجاری انجام دهد، منافع آن مؤسسه

تجاری می‌تواند مشمول مالیات دولت دیگر شود لیکن فقط آن قسمتی از آن مرتبط با مقر دایم مذکور باشد.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که یک موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت نماید، در هر یک از دو دولت متعاقد، آن منافعی جهت مقر دایم منظور می‌گردد که اگر این مقر، یک موسسه ممتاز و مجزا بود و همان فعالیتها یا مشابه آنها در همان شرایط یا شرایط مشابه انجام می‌داد و به طور کاملاً "مستقلی با موسسه تجاری ای که مقر دایم آن می‌باشد معامله می‌کرد، ممکن بود تحصیل نماید.

۳- در تعیین منافع یک مقر دایم، هزینه‌های قابل قبول منجمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری (که چنانچه این مقر دایمی یک موسسه مستقل می‌بود قابل کسر بود) تا حدودیکه این هزینه‌ها خواه در دولتی که مقر دایم در آن واقع است انجام پذیرد و خواه در جای دیگر، برای مقاصد آن مقر دایم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد.

۴- درحالی که در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین منافع قابل تخصیص به یک مقر دایم براساس تسهیم کل منافع آن موسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد، برای تعیین منافع مشمول مالیات نخواهد شد. مع ذالک نتیجه روش تسهیمی متخذه می‌بایست با اصول ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرفاً به سبب خرید اجناس یا کالاها توسط یک مقر دایم برای موسسه تجاری، هیچ منافعی برای آن مقر دایم تخصیص نخواهد یافت.

۶- منافع تخصیصی به مقر دایم به همان روش سال به سال تعیین خواهد شد. مگر آنکه دلیل کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که منافع شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مقررات آن مواد تحت تأثیر مقررات این ماده قرار نخواهد گرفت.

ماده ۸

حمل و نقل بین‌المللی

منافع حاصله توسط یک موسسه تجاری یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۹

موسسات شریک

۱- در صورتیکه :

الف : موسسه تجاری یک دولت متعاقد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشد.

ب: اشخاص واحدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه موسسه تجاری یک دولت متعاهد و موسسه تجاری دولت متعاهد دیگر شرکت داشته باشند، و در هر یک از دو مورد، شرایط مقرر یا وضع شده در روابط تجاری یا مالی بین این دو موسسه تجاری، متفاوت از شرایطی باشد که مابین موسسات تجاری مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه منافی که می‌بایست عاید یکی از این موسسات تجاری شده باشد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است جزو منافع آن موسسه تجاری منظور شده و متناسب با آن مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاهد منافی از موسسه تجاری آن دولت را محاسبه و متناسب با آن مشمول مالیات نماید که موسسه تجاری دولت متعاهد دیگر مشمول پرداخت مالیات در آن دولت متعاهد دیگر شده است و منافی که بدین ترتیب محسوب شده‌اند توسط دولت مقدم‌الذکر ادعا شود که منافی هستند که چنانچه شرایط بین این دو موسسه، مانند شرایط میان دو موسسه مستقل بود عاید آن موسسه دولت مقدم‌الذکر می‌شد، در این صورت آن دولت دیگر در مقدار مالیات آن منافع، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی می‌بایست سایر مقررات این موافقتنامه لحاظ شوند و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند نمود.

ماده ۱۰

سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد است به مقیم دولت متعاهد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- مع ذلک این سود سهام می‌تواند در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود. لیکن در صورتی که دریافت‌کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از مبالغ زیر تجاوز نخواهد کرد:

الف: درصد مبلغ ناخالص سود سهام، در صورتی که دریافت‌کننده شرکتی (به غیر از مشارکتها) باشد که حداقل درصد سرمایه شرکت پرداخت‌کننده سود سهام را مستقیماً در اختیار داشته باشد.

ب: درصد مبلغ ناخالص سود سهام در کلیه سایر موارد

۳- اصطلاح "سود سهام" بنحویکه در این ماده بکار می‌رود اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسين یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شرکتی که طبق قوانین دولتی که شرکت توزیع کننده درآمد، مقیم آن می‌باشد، مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام که مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دایم واقع در آن، به فعالیت شغلی پردازد

یا در آن دولت دیگر از یک پایگاه ثابت واقع در آن خدمت شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور موثر مرتبط با این مقر دایم یا پایگاه باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، جاری خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد می‌باشد، منافع یا درآمدی از دولت متعاهد دیگر حاصل نماید، آن دولت متعاهد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد. (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور موثر مرتبط با مقر دایم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد)، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات بر منافع تقسیم نشده شرکت نخواهد نمود. حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شوند.

ماده ۱۱

هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاهد و پرداخت شده به مقیم دولت متعاهد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- مع‌ذلک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل می‌شود، و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لکن چنانچه دریافت‌کننده مالک منافع هزینه‌های مالی باشد، مالیات متعلقه از درصد مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح "هزینه‌های مالی" به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دیون، خواه دارای وثیقه باشد یا نباشد و خواه از حق مشارکت در منافع بدهکار برخوردار باشند یا نباشند، و به خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه منجمله حقوق بیمه و جوایز مربوط به اینگونه اوراق بهادار، اوراق قرضه و سهام قرضه اطلاق می‌شود. جرایم متعلقه برای تاخیر تادیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۴- علیرغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاهد و مکتسبه توسط دولت، وزارتخانه‌ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداریها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاهد دیگر می‌باشند، از مالیات دولت مقدم‌الذکر معاف خواهد بود.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که هزینه‌های مالی در آنجا حال شده از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دیونی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور موثر مربوط به این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده جاری نخواهد شد. در این مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) حسب مورد جاری خواهد بود.